

بهزاد موسائی از
چهره‌های فعال
ادبیات نمایشی و
حوزه پژوهش
گیلان است. «از
مه تا کلم» عنوان
برگزیده
داستان‌های
نویسندگان
گیلانی است. او در
این کتاب به نقد و
بررسی
داستان نویسان
گیلان از سال
۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸
می‌پردازد.
جلد اول این
مجموعه را
به زودی انتشارات
دانشستان منتظر
می‌کنند. این کتاب



تحلیل و طبقه‌بندی
داستان‌نویسی معاصر ایران از
منظر «منطقه‌گرایی»
محدودیت‌هایی را به همراه
دارد و شماری از اهل نظر نیز
به دلایلی با آن موافق نیستند.
با این همه شیوه‌ای است
برخوردار از امتیازهایی درخور
و غیرقابل انکار. این مقدمه
می‌کوشد از همین منظر نما
و شمایی از داستان‌نویسی و
داستان‌نویسان شمال ایران به‌دست
دهد، و در چند و چون
عناصر و عواملی که تشخص
داستان‌نویسی این منطقه بر آن
استوار است، سخنی به میان آورد.

بلاور دارم هر گونه رویکرد به هنر و ادبیات خاص یک
منطقه اگر به دور از پیش‌فرض‌های گرایش‌های
خاصه اعراف کلی‌های ادبی
مستقیم و غیرمستقیم

از منظر منطقه‌گرایی و ادبیات اقلیمی، داستان‌نویسی ایران
به چند بخش عمده قابل تقسیم است: شمال، جنوب و مرکز،
که هر یک از این مناطق به‌لحاظ ویژگی‌های زیستی، آداب
و رسوم و باورها و... با منطقه دیگر اختلاف‌های اساسی دارد.
هنگامی که ویژگی‌های خاص یک منطقه در اثری انعکاس
می‌یابد، با اثری دیگر که شاخصه‌های منطقه‌ای دیگر را بازتاب
می‌دهد، متمایز می‌شود و نهایتاً این وجوه ممیزه ملاکی به‌دست
می‌دهند که برای تحلیل و تنقید می‌تواند راهگشا باشد. مسعود
یامین از این منظر داستان‌نویسی خوزستان را مورد بررسی
قرار داده، و ویژگی‌ها و شاخصه‌های داستان‌نویسی این منطقه
را با نگاهی تحلیلی برشمرده است. (۱) اما تا به امروز کسی
با این دید سراغ داستان‌نویسی «مرکز» نرفته است.
گفتنی است اثری آثاری که با این دیدگاه زیرمجموعه
یکی از این مناطق، مثلاً جنوب، قرار می‌گیرد، منحصر به
نویسندگانی نیست که زادگاه و خاستگاه آنان جنوب است.
بسیاری از نویسندگان شمالی، مانند وورش شاخص‌های اثری
نویسندگان اهل شمال باشد و اثری
نویسندگان اهل جنوب باشد.

داستان‌های اقلیمی

و داستان‌نویسان گیلان

بهزاد موسائی

«گیله مرد» بزرگ علوی (تهران)، «مدومه» ابراهیم گلستان (شیراز)، «ترس و لرز» غلامحسین ساعدی (تبریز) و... محدوده نگاه در این نوشتار نویسندگانی را دربر می‌گیرد که خاستگاه آنان شمال است و پرورش یافته این اقلیم هستند، و آثاری به صورت کتاب یا چاپ در نشریات از آنان در دست است. بعضی از این نویسندگان پس از مدتی داستان را رها کرده و در زمینه یا زمینه‌های دیگر فعالیت کرده‌اند: کریم کشاورز، محمدعلی افراشته، اکبر رادی، کاظم سادات اشکوری؛ و شماری نیز پس از ۴ سال قلم زدن، داستان را بوسیده و کنج عزلت اختیار کرده‌اند. از این شمار بودند کسانی که عمر داستان‌نویسی‌شان چندان کوتاه بود که به آرایه لری مثال‌زدنی توفیق نیافتند. اسماعیل خسرومرادی، احمدرضا دریایی، کاظم رضه احمد آذر هوشنگ، بهزاد عشقی... و کسانی که باری به هر جهت از قافله همیشه رونده داستان معاصر باز ماندند: بهمن سنجرقانی، عزیز حسینی، گوراب یسی... و عزیزانی که به تبعیدی خودخواسته تن دادند. هرچند از این جمله کفایتی دغدغه نوشتن را نیز با خود به همراه بردند و در آن سوی آبها همچنان نویسا هستند. محسن حسام، حسن حبیبی، هادی جامی، محمود مسعودی، مهدی ابراهیم‌پور و... نویسندگانی که روی تو کتاب خاک نشین شده‌اند.

مانده و آثاری به یادگار: احمد مسعودی، منوچهر لمعه، امیر منتظمی، حمید قدیمی حرفه، فرهاد غبرایی، علی ماتک، بیژن نجدی...

برخلاف آنچه پیش‌تر گمان می‌رفت ادبیات داستانی شمال، نه با داستان «خواب» کشاورز که با داستان‌های «علی - عمو» آغاز می‌شود. این گمان‌شکنی مرهون «رحیم چراغی» و مقاله قابل تأمل «سندی از داستان‌نویسی ایران» پیش از سیدمحمدعلی جمال‌زاده» (۲) است، که افق داستان‌نویسی ایران (و به تبع اقلیم شمال) را به ۱۳۲۷ هـ. ق / ۱۲۸۸ خ گسترش می‌دهد. در این مقاله اشاره می‌شود علی - عمو از قصه‌واره‌هایی حد فاصل طنز و داستان کوتاه آغاز می‌کند و به کارنامه‌ای پربار مشتمل بر چهل و هشت داستان کوتاه می‌رسد. داستان‌هایی که «در فاصله زمانی دو سال» نوشته شده‌اند، و به روشنی هیاتگر آشنایی ژرف داستان‌نویس با دستاوردهای داستان‌نویسی اروپا هستند. توانایی‌های بالقوه و بالفعل قصه‌نویسی در مجموعه داستان‌های به‌جا مانده از او نشان می‌دهد که چگونه از شرایط زمانی و موقعیت و امکانات آن زمان بهره‌مند شده و با آگاهی از دستاوردهای داستان‌نویسی اروپا، توانسته است با استفاده از این امکانات، دستاوردهای ارزشمندی را در زمینه داستان‌نویسی ایران به جا بگذارد.



در به کارگیری واژه‌های بومی و کاربرد طبیعی و هنرمندانه آنها، استفاده از دیالوگ گیلکی... اشاره می‌کند، و با توجه به مدرنیسم مبتنی بر بدایع داستان‌های علی - عمو، از این داستان‌ها به عنوان حادثه‌ای در آغاز داستان‌نویسی ایران یاد می‌کند.

این داستان‌ها در نشریه‌ای با عنوان «خیرالکلام» که به مدیریت «افصح المتکلمین» در زمان مشروطه منتشر می‌شده، به چاپ می‌رسیده است. و آنچه این‌جا مورد نظر است، در اصل متقدم بودن علی - عمو به کریم کشاورز است. بر این اساس می‌توان حدس زد که کشاورز در زمینه نثر و افراشته در حیطه طنز متأثر از علی - عمو و داستان‌های او بوده‌اند، و با گسترش این گمانه به مرادۀ فکری آنها نیز رأی داد. چه این که از نظر سنی و دورۀ تاریخی با هم معاصر بوده‌اند، و افزون بر این میان آغاز انتشار داستان‌های علی - عمو (۱۲۸۸)، با نخستین داستان کشاورز (۱۲۹۸) تنها یک دهه فاصله بوده است، که همین هم عصری جملگی را در مجموعه نسل اول داستان‌نویسان گیلان قرار می‌دهد:

نسل اول شامل نویسندگانی است که از ۱۲۸۸ تا ۱۳۲۸ اثر یا آثاری ارایه داده‌اند: علی عمو، کریم کشاورز، محمدعلی افراشته، محمود اعتمادزاده (م.ا. به آذین)، علی مستوفی (احمد صادق)، محمدعلی صفاری.

نسل دوم نیز نویسندگانی را شامل می‌شود که در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ موفق به تثبیت خود به عنوان داستان‌نویس می‌شوند: محمود طیار، مجید دانش‌آراسته، ابراهیم رهبر، اکبر رادی، حسن حسام، محمدرضا پورجعفری، هادی جامعی، احمد مسعودی، حمید قدیمی‌حرفه، عباس حاکمی، محمدحسن چهری، محمدحسین عباسپور تمیجانی، محمد آقازاده احمد آذرهوشنگ و...

نسل سوم نویسندگانی است که از آغاز دهه پنجاه تا اواخر دهه هفتاد اثر یا آثاری منتشر کرده‌اند مانند: منوچهر جراح‌زاده، کاظم سادات اشکوری، منوچهر لمعه، پورویین محسنی‌آزاد، بیژن نجدی، حسن اصغری، ناصر وحدتی، محسن حسام، سیروس شمیسا، محمود بدرطالعی، فرامرز طالعی، محمد شمس لنگرودی، مهدی اخوان لنگرودی، قاسم کشکولی، موسی علیجانی و...

و سرانجام نسل چهارم، نسلی نوقلم و جوان است که فعالیت ادبی‌شان را در دهه هفتاد و حتی پیش از آن شروع کرده‌اند ولی در نیمه دوم دهه هفتاد حضور خود را به صورت جدی عموماً از طریق ویژه‌نامه و نشریات ادبی به اثبات رسانده‌اند. اگر بخواهیم به چند نام از این نسل اشاره کنیم، می‌توانیم از: اکبر تقی‌نژاد، محمد تقوی، یزدان سلحشور، ساسان رضائی‌راد، محمد اکبری، کیهان خانجانی، فرهاد پاک‌سرشته حسین رسول‌زاده، حسن وقاری، شهین نوروزی باستانی، فرحناز شریفی، ژیلای هانفی، لاله رسول‌زاده... و بسیاری دیگر که از حوصله این مطلب خارج است نام ببریم.

دهه چهل و هفتاد با توجه به متغیرهایی چون اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نسبت به دهه‌های دیگر پربارتر می‌نماید.

در نیمه دوم دهه چهل است که «محمدتقی صالح‌پور» روزنامه‌نگار فعال سرشناس این خطه نشریه «بازار ویژه ادبیات و هنر» را منتشر می‌کند، و علاوه بر بازتاب ادبیات مناطق دیگر به معرفی نویسندگان شمالی نیز می‌پردازد. بازار ویژه ادبیات و هنر همچون «خوشه» نشریه‌ای است که به داستان‌های بوم‌گرایانه توجه نشان می‌دهد، و نویسندگانی که برحسب علایق سیاسی - اجتماعی و... زاد بوم خود را دستمایه داستان‌نویسی قرار می‌دهند، در این نشریه مجال برای عرضه آثار خود فراهم می‌یابند. داستان‌هایی از این دست که صبغه‌های اقلیمی در آنها بارز است، در این دهه از آمار درخور توجهی برخوردار است، اما از این موضوع نام بردن از اثری که به لحاظ کیفی مثال‌زدنی باشد، ساده نخواهد بود. با این همه، داستان‌های مجید دانش‌آراسته، ابراهیم رهبر و حسن حسام از داستان‌های دیگری که در بازار به چاپ رسیده قابل تأمل‌تر، بهنجارتر و هنری‌تر است.

گفتنی است که آثار نویسندگان شمال در قیاس با شاهکارهای داستان‌نویسی معاصر (بوف کور، ملکوت، سزده احتجاجه سووشون، کلیدر و...) در مرتبه‌ای فروتر قرار می‌گیرند، هرچند این مطلب نفی‌کننده سهم قابل توجه نویسندگان این خطه در روند ادبیات داستانی معاصر ایران نیست. در همین راستا می‌توان به شاخص‌هایی چون: دختر رعیت (۱۳۲۷) به آذین، خانه فلزی (۱۳۴۱)، طرح‌ها و کلاغ‌ها (۱۳۴۴)، کاکا (۱۳۴۶) محمد طیار، یوزپلنگانی که با من دویده‌اند (۱۳۷۳) بیژن نجدی، زن در پیاده‌راه می‌رود (۱۳۷۷) قاسم کشکولی، کنسرت تارهای ممنوعه (۱۳۷۸) حسین مرتضائیان آبکنار، و... اشاره کرد.

در نگاهی کلی سیر ۹۰ سال داستان‌نویسی شمال را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

ادبیات معاصر ایران سیر داستان‌نویسی گیلان

۱۳۲۸ - ۱۲۸۸

۲۸ - ۳۸

۳۸ - ۴۸

۴۸ - ۵۸

۵۸ - ۶۸

۶۸ - ۷۸

تبیین و شرح این نمودار مجال فراخ‌تر می‌طلبد که البته فراهم نیست. با این همه به لحاظ اهمیت موضوع، صرفاً به

نمودار بسنده نمی‌کنم، و به اجمال به بررسی دهه‌های یادشده می‌پردازم، و تأکید می‌کنم که این مجمل هرگز ادعا ندارد تصویری روشن و جزئی‌نگر از چند و چون داستان‌نویسی شمال به‌دست می‌دهد.

۱۳۲۸-۱۳۸۸

چنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، آغازگر داستان مدرن «علی - عمو» است، که پس از او کریم کشاورز و محمدعلی صفاری این روند را پی می‌گیرند. کشاورز نیز هرچند اثری قابل توجه ارایه نمی‌دهد، ولی با در نظر گرفتن زمانی که داستان معاصر هنوز چندان استوار نگردیده و پاورقی نویسان رمانتیک متولی داستان‌نویسی شده‌اند، «آدم‌ها و ماجراهای کوچک نو» (۱۳۱۳) پیشرو و معاصر می‌نماید، و این سوای سهمی است که کشاورز با ترجمه‌های به‌آیین خود در تکامل داستان و تحول نثر معاصر به خود اختصاص داده است. مرتبه و جایگاه این ترجمه‌ها چندان بلند است که سپانلو اذعان می‌دارد «این آثار ترجمه‌شده به نفسه خود اثر ادبی فارسی محسوب می‌شوند.» (۳) محمدعلی صفاری، دیگر داستان‌نویس نسل اول گیلان است و تنها اثرش که داستانی تاریخی از وقایع گیلان (فاجعه زندگی خان احمد گیلانی آخرین پادشاه کیایی لاهیجان) است، به سال ۱۳۱۱ با عنوان «خان گیلان» منتشر می‌شود. صفاری نخستین نویسنده گیلانی است که داستان خود را به صورت کتاب چاپ می‌کند.

در همین برهه است که محمدعلی افراشته (۱۳۳۸ - ۱۲۸۷) همزمان با فعالیت سیاسی و در کنار شعر، روزنامه‌نگاری و... داستان‌هایی نیز به چاپ می‌رساند.

افراشته در ۱۳۳۱ با محمدامین محمدی (طوطی) مشترکاً مجموعه داستان «مکتب نو» را منتشر می‌کند و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ همچون یاران دیگر خود چندی به زندگی در پنهانگاه تن می‌دهد و هنگامی که از گریختن و زندگی در خفا به ستوه می‌آید، رهسپار بلغارستان می‌شود و همان جا نیز درمی‌گذرد. او در سال‌های پایانی عمر تصمیم می‌گیرد مجموعه‌ای از داستان‌های طنزآمیز خود را گردآوری و با عنوان «دماغ شاه» منتشر کند، که مجال نمی‌یابد و بیماری او را از پا درمی‌آورد. این مجموعه پس از مرگ مؤلف در بلغارستان منتشر می‌شود و تا امروز به فارسی برگردانده نشده است. محمود اعتمادزاده (به‌آذین)، متولد ۱۲۹۳ رشت است. مهم‌ترین اثرش رمان «دختر رعیت» که در سال ۳۱ منتشر می‌شود. این رمان که رخدادهای حماسی - تاریخی نهضت جنگل زمینه آن است، از شمار نخستین رمان‌های تاریخی (Historical novel) در سنت رمان فارسی محسوب می‌شود، و به پیدایی و استوار گردانیدن این ژانر کمک شایانی کرده است. به‌آذین با مجموعه داستان «پراکنده» (۱۳۲۳) داستان‌نویسی را آغاز می‌کند، که در این مجموعه هنوز از فضای مسلط بر ادبیات داستانی آن زمان که نوعی رمانتیسیم سطحی است خارج نشده است. با مجموعه داستان «به سوی

مردم» (۱۳۲۷) است که وارد حوزه داستان‌نویسی جدی می‌شود و واقعیت‌های جامعه را دستمایه کار خود قرار می‌دهد. «نقش پرند» (۱۳۳۴)، «مهره ماه» (۱۳۴۴)، «شهر خدا» (۱۳۴۹)، «از آن سوی دیوار» (۱۳۵۱)، «مهمان این آقایان» (۱۳۵۷)، «مانگدیم و خورشیدچهر» (۱۳۶۹)، «سایه‌های باغ» (۱۳۷۷) و رمان ناتمام «خانواده امین‌زادگان» که هنگام همکاری با نشریه «صدف» در آن نشریه چاپ می‌کرده، از دیگر آثار اوست.

به‌آذین چون دیگر فعالان سیاسی آن عصر زندان را نیز تجربه کرده که «مهمان این آقایان» خاطرات آن دوره است. علاوه بر فعالیت در زمینه داستان‌نویسی، به روزنامه‌نگاری و ترجمه پرداخته که همکاری با «صدف» و سردبیری «پیام‌نوین» و «کتاب هفته» همچنین ترجمه آثاری از شکسپیر، رولان، بالزاک، شولوخوف و... کارنامه او را پر بارتر کرده است. مجموعه دوجلدی «از هر دری» (۱۳۷۱) که قسمتی از خاطرات او را دربر می‌گیرد، دیگر اثر منتشرشده اوست. علی مستوفی (احمد صلاقی) روزنامه‌نویس و مترجم فعال دهه ۲۰ از زمره نویسندگان همین نسل است که در سال ۱۳۰۶ در رشت متولد شده است. پس از کودتای ۳۲ مجبور به جلای وطن و اقامت در ژنو می‌شود، و همان جا فعالیت‌های خود را پی می‌گیرد. علاوه بر مجموعه داستانی که به زبان فرانسه منتشر کرده، «خورشید می‌دمد» و «سراب و امید» را در اواخر دهه ۴۰ به فارسی و در مونیخ به چاپ رسانده است. در این دوره فعالیت آرامنه در قلمرو داستان‌نویسی جایگاه ویژه خود را می‌یابد و این نوشتار بدون یادکرد این اقلیت بی‌هیاهو و همیشه فعال کامل نخواهد بود. «گریگور بقیکیان»

(۱۳۲۹ - ۱۲۵۹) از ارمنه مقیم رشت و یکی از بزرگان ادبیات نمایشی ایران از آن جمله است. او آثار خلاق و زیبایی پدیدآورده و اجرای شماری از این آثار برای همیشه در حافظه تئاتر گیلان خواهد ماند. یقیناً در زمینه داستان (خاصه داستان‌های تاریخی) و ترجمه رمان (از زبان‌های ارمنی و روسی) نیز آثاری منتشر کرده است. غالب داستان‌های یقیناً به صورت کتاب و باورقی در نشریات آن عصر (۱۳۲۹ - ۱۳۰۰) چاپ شده‌اند: شب عید نوروز (۱۳۰۸)، شوهر سوم (۱۳۰۸)، سلیمه (۱۳۰۹)، صابیره (؟)، دختر قشنگ (؟)، رمان آینا (؟)، و رمان «گیله دختر» (؟) که متأثر از وقایع نهضت جنگل در روزنامه «هور» به چاپ رسیده است. در مجموع، ویژگی‌های آشکار و پنهان داستان‌های این دوره عبارت است از: تأثیر (و در مواردی حتی تقلید) از ادبیات روسیه و فرانسه، تبلیغ مرام اشتراکی، نثر ژورنالیستی، طنز اجتماعی، تصاویر رقت‌انگیز از فقر و نابسامانی‌های روستا و روستاییان، گزارش تک‌بعدی و جانبدارانه از مظلومیت طبقه کارگر و ستم حکام (برابر با الگوی رئالیسم سوسیالیستی)، فقر آشکار و مسلط به لحاظ فرم و ساخت هنری و رجحان محتوا و پیام اخلاقی - اجتماعی - سیاسی. شاید بتوان یگانه شاخص مثبت این آثار را در «مضامین آگاهی‌بخش در زمینه‌های اجتماعی» آنها جست.

۱۳۲۸ - ۱۳۲۸

در این دهه چهره‌های جوانی چون اکبر رادی، محمود طیاری، مجید دانش‌آراسته، هادی جامعی و... پا به عرصه داستان‌نویسی می‌گذارند و امیدهایی را با خود به همراه می‌آورند. نویسندگانی که اگر نه در آغاز و در همین مقطع، که در دهه‌های بعد (۴۰) از تثبیتی نسبی بهره‌مند می‌شوند. اکبر رادی (۱۳۱۸ / رشت): نخستین داستان خود را با نام «موش مرده» در سال ۱۳۳۵ در کیهان چاپ می‌کند. داستانی

که نه نام و افتخاری با خود به همراه آورده، نه رضایتی معمول برای نویسنده؛ داستانی در حد و حدود داستان‌های سطحی ولی رایج آن دوره، ولی دومین داستان، هم افتخار و شهرت به همراه می‌آورد، هم رضایت‌مندی برای نویسنده، و از این دو مهم‌تر سرمشقی می‌شود برای نویسندگان جوان شمالی. این داستان کوتاه که با عنوان «باران» در مجله اطلاعات جوانان (۱۳۳۸) چاپ می‌شود، جایزه اول مسابقه داستان‌نویسی آن مجله را از آن خود می‌کند.

اهمیت انتخاب این داستان را مرتبه و منزلت انتخاب‌کنندگان دو چندان می‌کند: سعید نفیسی، رضا سیدحسینی، بهرام صادقی، دکتر علی‌اصغر صدر حاج سیدجوادی و دکتر حسن صدر حاج سیدجوادی.

«باران» و توفیق حاصل از آن، «نوشتن» را دغدغه اصلی رادی می‌کند، چنان که به طنز در مورد این جایزه می‌گوید: «به هر ترتیب آن جایزه تخم لقی شکست و موجب ارتکاب سیاه‌مشق‌های دیگری هم در این زمینه شد، و من داستان‌های متعددی نوشتم و تک و توک در مجلات و جنگ‌های ادبی به چاپ دادم.» (۴)

رادی در سال‌های ۳۵ و ۳۶ دو داستان بلند با نام‌های «مسخره» و «افسانه دریا» نوشته، ولی تا به امروز از چاپ آنها خودداری ورزیده است.

مجید دانش‌آراسته (۱۳۱۶ / رشت): نخستین داستان او «این یکی آخرین» در سال ۱۳۳۶ و در «پرچم خاورمیانه» (جنوب) به چاپ رسیده است. معترف است که «در آغاز نگاهش به زندگی احساسی بوده» چنان که پس از چاپ نخستین داستان (و شادی کوتاه و کودکانه حاصله) پشیمان شد و دیگر هرچه می‌نوشته، می‌دید «این آن نیست که من دنبال هستم». (۵) با این همه داستان را به طور جدی پی می‌گیرد و یکی از چهره‌های شناخته‌شده نسل خود می‌شود.



محمود طیاری (۱۳۱۷ / رشت): از جمله نویسندگان جدی و فعال داستان و نمایش شمال است که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ چشم‌ها را متوجه خود می‌کند. در سال پایانی مقطع مورد نظر (۱۳۳۸) با داستان کوتاه «در پای درخت نارنج» که در بامشاد به چاپ می‌رسد، به جامعه ادبی ایران معرفی می‌شود. هادی جامعی (۱۳۱۵ / رشت): او نیز از شمار همین نسل است که داستان‌نویسی را با «سرکار سرپاس» در سال ۱۳۳۷ / فردوسی آغاز می‌کند.

آثار جوانان نو قلم دیگر هم از سطح قطعه ادبی و داستان‌های متعارف نویسندگان یادشده قدمی فراتر نمی‌گذارد و تا پایان این مقطع «باران» رادی همچنان بی‌رقیب و بی‌همتا باقی می‌ماند.

از جمله ویژگی‌های قابل اعتنای این مقطع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- توجه بیشتر به نثر داستان، به عنوان یکی از عناصر مهم این ژانر.

- رایبه محیط و فضایی ملموس و واقعی‌تر (نسبت به توصیف‌های انشاوار که روا و رایج شمرده می‌شد).
- احساس مسئولیت نویسنده در قبال شأن داستان و داستان‌نویسی (جای آشکارگی تعهد مرامی در داستان‌های متقدم).

۱۳۳۸-۱۳۴۸

نویسندگان نو قلم مقطع پیش گفته، چهره‌های شاخص این دهه می‌شوند: طیاری، نویسنده فعال این عرصه «خانه فیزی» (۱۳۴۱)، «طرح‌ها و کلاغ‌ها» (۱۳۴۴) و «کاکا» (۱۳۴۶) را منتشر می‌کند. نگاه و زبان شاعرانه‌اش مقلدان و خوانندگان بسیاری پیدا می‌کند. چنان که «پس از انتشار «طرح‌ها و کلاغ‌ها» نویسندگانی به قطعه‌نویسی روی آوردند - مثلاً «تنگابنی» در یادداشت‌های شهر شلوغ - اما هیچ کدام به پوشیدگی و ظرافت کارهای طیاری دست نیافتند.» (۶)

اکبر رادی که در مقطع پیشین خوش درخشیده بود، نوشتن را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کند و موفق به رایبه چند اثر زیبا در این دهه می‌شود که از آن شمار است: «جاده» (اطلاعات جوانان / ۱۳۳۹)، «سوءتفاهم» (فردوسی / ۱۳۳۹)، «کوچه» (سخن / ۱۳۳۹) و همچنین چاپ چند نقد و داستان در مجله آرش، هنگامی که با این مجله همکاری داشت (۱۳۴۲).

رادی که از همان آغاز فعالیت ادبی به نمایش و نمایشنامه‌نویسی توجه خاصی داشت، در این دهه به نوشتن و عرضه چند نمایشنامه موفق می‌پردازد که توفیق روزافزون و اقبال عموم و نخبگان هنر و ادبیات ایران، کم‌کم فاصله او را با «نوشتن» داستان بیشتر می‌کند؛ چنان که از همین مقطع به عنوان نمایشنامه‌نویسی مستعد و اصیل به جامعه ادبی ایران معرفی می‌شود. نمایشنامه‌های منتشرشده رادی در این دهه به قرار زیر است:

«روزنه آبی / ۴۱»، «افول / ۴۳»، «محاق / ۴۴»، «مسافران»

و «مرگ در باییز» و «از پشت شیشه‌ها» (جملگی در پیام نوین / ۴۵)، «ارثیه ایرانی / ۴۷» و «صیادان / ۴۸». گفتنی است که محمود طیاری نیز در این مقطع به نوشتن و عرضه آثاری در این زمینه روی می‌آورد، ولی همچنان به عنوان چهره‌ای «داستان‌نویس» در حافظه مخاطبان خود باقی می‌ماند.

نویسنده دیگری که در این دهه با حضور خود داستان‌نویسی این منطقه را پر بارتر می‌کند، «ابراهیم رهبر» است. رهبر که «متولد ۱۳۱۷ صومعه‌سراست، با داستان کوتاه «مرغزار» که در سال ۱۳۴۳ در «طرفه» به چاپ می‌رسد داستان‌نویسی را به صورت جدی آغاز می‌کند و پس از آن نیز با چاپ داستان‌هایی (درختان لیلیکی، کشور، شمد یک صبح... در بازار) و نشریات ادبی دیگر مانند اندیشه و هنر، آرش، فردوسی و... موفق به تثبیت خود در عرصه ادبیات داستانی شمال می‌شود.

«دانش آراسته» نیز که نوشتن داستان را از دهه پیش آغاز کرده بود، در این مقطع با داستان‌های کوتاهی (مانند یادی از گذشته‌های دور، وسعت و... در بازار) که در محیط و فضای قهوه‌خانه می‌گذرند، نظرها را به سوی خود جلب می‌کند. «در قهوه‌خانه از همه چیز حرف می‌زند. هر کسی با زبان خودش. این زبان در قطعه ادبی جایی نداشت. این زبان جایش در داستان بود. من با نگاه یک شهری، زندگی این آدم‌ها را داستان کردم... من قهوه‌خانه را مرکز زندگی کردم.» (۷)
حمید قدیمی حرفه (۱۳۲۲ - ۱۳۱۷) نیز از داستان‌نویسان فعال صفحات ادبی بازار است. او با چاپ داستان‌هایی (سمفونی آتش، نگاهی نه به تمامی، سی‌ساله‌ها،...) و نیز چاپ آثاری در دو شماره «از قصه تا شهر» کتابی که در اواخر دهه چهل به همت «بیمان جهانبین» در شیراز، و همچنین در یکی از شماره‌های «لوح» که با تلاش همشهری‌اش «کاظم رضا» منتشر می‌شد، توانست توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را بروز دهد.

قدیمی حرفه در داستان‌نویسی به تبعیت از «ارنست همینگوی» به عنصر گفتگو در داستان بیشتر توجه داشت و غالباً در داستان‌های او دیالوگ کاراکترها نقش اساسی در ساخت داستان ایفا می‌کنند.

«احمد مسعودی» دیگر نویسنده خوش قریحه و نوجوی نسل دوم، آثارش را که شامل داستان، نمایشنامه، و نقد است، در این مقطع و در نشریات ادبی به چاپ می‌رساند، متأسفانه سکوت، سفر و یا مرگ نابهنگام(?) او را از عرضه آثارش به صورت کتاب باز می‌دارد.

مسعودی در سال ۱۳۴۲ با چاپ چند داستان کوتاه در «کتاب هفته» فعالیت ادبی خود را شروع می‌کند و با چاپ تنها چند داستان خوش ساخت همچون «کار» (پیام نوین / ۴۶) ۷ وقتی آمدم سفره پهن کن (بازار / ۴۶)، دلدانه ششم و رویای شب در عمق روز نام خود را برای همیشه در حافظه مخاطبان



پورجعفری داستان‌نویسی را در همین دهه آغاز، و به رشد کمی و تکامل بیشتر داستان‌نویسی این منطقه کمک، و ادبیات اقلیمی را با موضوعات بومی گیلان، رنگ‌آمیزی می‌کنند. علاوه بر آثار محمود طیاری که از آنها یاد شده، آثار زیر نیز در این مقطع منتشر شده‌اند: «مهره مار / ۴۴» به آذین، «آدم‌های پلاستیکی / ۴۱» محمد آقازاده، «استخوان‌های تهی / ۴۲» مجید دانش‌آراسته، «روح مقدس / ۴۰» و «بوته‌های گرم / ۴۲» عباس حاکی، «محراب / ۴۶» احمد آذرهوشنگ و «تلاسه / ۴۷» محمدحسین عباسپور تمیجانی.

در این فرصت شایسته است به عنوان تکلمه و متمم مقوله ادبیات داستانی از پاورقی‌نویسان یاد کرد که آثاری به صورت کتاب یا پاورقی‌های دنباله‌دار در نشریات از آنها به چاپ رسیده است. بزرگ‌ترین پاورقی‌نویس این دوره «محمدابراهیم زمانی آشتیانی» است که پس از سال ۱۳۴۲ ده‌ها اثر در این زمینه منتشر کرده است. دلشاد خاتون، زیبای مخوف (بیش از دوازده هزار صفحه)، سلطانیه جنگل، عشق‌های خسرو پرویز، به سوی روم، خورشید تیسفون، آرزو (پنج جلد)، صدایی از میان آتش، عمدتاً با زمینه تاریخی، و اسرار دخمه شاپور، و اسرار کوه گریه‌کنان، با زمینه‌ای اجتماعی. از «تیمور گرگین» نیز پاورقی‌های بسیاری در روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های پرتیراژ کشور به چاپ رسیده، که به صورت کتاب و مستقل تا به امروز عرضه نشده‌اند. «تیره‌روز» عنوان مجموعه شعر و داستان کوتاه گرگین است که با مقدمه استاد سعید نفیسی در سال ۱۳۳۰ منتشر شده است. ویژگی‌های آثار این دهه:

ویژگی‌هایی که برای مقطع ۲۸ تا ۳۸ برشمرده‌ایم، در این دهه به گونه‌ای متوسع‌تر ادامه می‌یابند، چنان که توجه ویژه‌ای به «واقع‌گرایی» (البته از نوع سوسیالیستی) نشان داده می‌شود، و به تبع آن، «زبان» نیز متأثر از این گرایش، از کلی‌بافی‌های اولیه بیشتر فاصله می‌گیرد.

باورها، رسوم و آیین‌های اقلیمی، همچنین واژگان و مصطلح‌های گیلکی، خاصه توصیف طبیعت شمال، در آثار این دوره هنری‌تر به کار گرفته می‌شود و موجب تشخیص هرچه بیشتر داستان‌نویسی این منطقه می‌گردد.

این‌جا باید از مضامین تکراری شماری از این آثار به عنوان شاخص منفی یاد کرد، چرا که وحدت موضوع و همسانی سهل‌انگارانه محتوا باعث پوک‌شدن درونه و خالی‌شدن آثار از خلاقیت‌های بایسته شده است.

در این دوره برحسب شرایط و فضای بسته حاکم بر جامعه، ادبیاتی موسوم به «شکست و گریز» رشد و گسترش پیدا می‌کند و داستان‌نویسی شمال نیز از آن برکنار نمی‌ماند. آثاری که زیر این عنوان طبقه‌بندی می‌شوند، زندگی ملال‌آور انسان‌هایی (قهرمان؟) شکست‌خورده و تلخ‌اندیش را در محیط و فضایی بی‌نشاط، خالی و بی‌هیجان تصویر می‌کنند. «انفعال» که شاخصه آشکار این گونه آثار است، به روشنی روحیه

آثار خلاقه ثبت می‌کند. از میان داستان‌های کم‌شمار او، داستان کوتاه «کار» (پیام نوین / ۴۶)، وقتی آمدیم سفره‌پهن کن (بازار / ۴۶) دندان‌ششم و رویای شب در عمق روز، نام خود را برای همیشه در حافظه مخاطبان آثار خلاقه ثبت می‌کند. از میان داستان‌های کم‌شمار او، «کار» از جایگاه خاصی برخوردار است، چنان که محمدعلی سپانلو برای «بازآفرینی واقعیت» که مجموعه‌ای است بقاعده از داستان‌های شاخص منتشر شده تا آن موقع و مقطع (۱۳۴۹) - این داستان را نیز برمی‌گزیند و نام «احمد مسعودی» را در کنار نام و آثار بزرگان این ژانر؛ آل‌احمد گلستان، صادقی، ساعدی و گلشیری قرار می‌دهد، و در نقد و نظری که همراه داستان می‌کند، به‌درستی اذعان می‌دارد: «احمد مسعودی را از میان خیل جوان‌ترها به عنوان نمونه‌ای انتخاب کرده‌ام. نمونه‌ای که به خاطر دقت انشا و چرخش روان وقایع میان آدم‌های ناجور داستان و ایجاز اعجاز‌آمیزی که در معرفی‌ها به کار برده مشخص است.» (۸) نمایشنامه استعاری «خر با بار نمک» (فصلهای سبز / ۴۷) و نقد رمان «شوه‌ر آهوخانم» علی‌محمد افغانی از فعالیت‌های دیگر مسعودی است که موجب گسترده‌تر شدن شهرت او می‌شود.

عباس حاکی، محمدحسن جهری، هادی جامعی، احمد آذرهوشنگ، احمدرضا دریایی، کاظم رضا، محمدحسین عباسپور تمیجانی، محمد آقازاده، اسماعیل خسرومرادی، امیر منتظمی، کاظم سادات اشکوری، حسن حسام و محمدرضا

روشنفکران و فضای سیاسی - اجتماعی دوره شکست و گریز (پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) را همچون آینه‌ای صادق بازتاب می‌دهد.

سالهای ۱۳۴۸-۱۳۵۸

آثار منتشر شده در این مقطع از بسامد بالایی برخوردار است، و از یک منظر، علی‌رغم خفقان مستولی بر فضای روشنفکری، نویسندگان شمال موفق می‌شوند اثر یا آثاری در این دهه چاپ و عرضه نمایند. با این همه داستان‌نویسی شمال در این سال‌ها تنها به لحاظ کمی رشدی نسبی یافته، و از توفیق کیفی هم چند این رشد آشکار بازمانده است. از نسل اول علی مستوفی مجموعه داستان‌های «خورشید می‌دمد» و «سراب و امید» را در ۱۳۴۹ و در مونیخ منتشر می‌کند. به‌آذین نیز که در دهه پیش با «مهره‌مار» همچنان حضوری قابل اعتنا داشت، در این مقطع مجموعه «شهر خدا» (۱۳۴۹) و دو رمان با عنوان‌های «لز آن سوی دیوار» (۱۳۵۱) با موضوعی عاشقانه و به شیوه نامه‌نگاری (novel Epistolary) و «مهمان این آقایان» (۱۳۵۷) که شرح و گزارش (رمان؟) خاطرات دوران زندان نویسنده (راوی) است به چاپ می‌دهد.

کریم کشاورز نیز داستان‌هایی که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۹۸ در مجله «فرهنگ» رشت و «پیام نو» به چاپ سپرده بود، مجموعه‌ای گردآوری و با عنوان «فی مده المعلوم» (۱۳۵۵) منتشر می‌کند. «این داستان‌ها به خاطر کاربرد هنرمندانه آداب و رسوم و لهجه محلی، ارزش اقلیم‌شناختی دارند و توصیفی انتقادی از مناسبات اجتماعی سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۱۰ به شمار می‌آیند.» (۹)

از نویسندگان نسل دوم آثار بسیاری در این دهه منتشر می‌شود که نمایه آنها به قرار زیر است:

اکبر رادی: مجموعه داستان «جاده» (۱۳۴۹)، که مجموعه‌ای است فراهم شده از داستان‌های چاپ شده در نشریات؛ که به تعدادی از آنها پیش‌تر اشاره شده است. بعد از چاپ این مجموعه، رادی فعالیت داستان‌نویسی را به کناری نهاده و هم و غم خود را به تمامی متوجه نمایش و نمایشنامه‌نویسی می‌کند. ابراهیم رهبر: مجموعه‌های «دود» (۱۳۴۹)، «من در تهرانم» (۱۳۵۳)، «سوغواران» (۱۳۵۴). محمود طیاری: «صدای شیر» (۱۳۵۰).

مجید دانش‌آراسته: «روز جهانی پارک شهر و زباله‌دانی» (۱۳۵۱)، رمان «نسیمی در کویر» (۱۳۵۸).

حسن حسام: «بعد از آن سالها» (۱۳۵۲)، «کارنامه احیا» (۱۳۵۵).

هادی جامعی: رمان کوتاه و مطرح «گل آقالچه گورابی» (۱۳۵۴).

محمدحسین عباسپور تمیجانی: «طرح یک قصه» (۱۳۵۲).

«آینده‌سازان» (۱۳۵۶)، داستان بلند «نه شرقی نه غربی» (۱۳۵۸).

محمد آقازاده: «آواز بلند شب» (۱۳۵۶).

حسن اصغری (۱۳۲۶ بندر انزلی) دیگر داستان‌نویس فعال و نسل سوم گیلان است، که از حیث گزینش موضوعات و نیز پرداخت آنها، یکی از نویسندگان جدی و اقلیم‌گرای گیلان به شمار می‌رود. او با چاپ نخستین مجموعه قصه‌های خود «خسته‌ها» (۱۳۵۵) و «میراث خان‌زاده» (۱۳۵۶) گرایش خود را به داستان‌هایی با مضامین سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد. از میان قصه‌های اصغری که پس از انقلاب در نشریات ادبی به چاپ رسیده است، می‌توان به شانزده داستان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ در «چیستا» و هشت داستان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ در «دنیای سخن» و سه داستان از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰ در «کتاب سخن» و نیز قصه‌های متعدد در مطبوعات و جنگ‌های ادبی و... اشاره کرد.

حسن اصغری، علاوه بر استفاده از مضمون‌های مردمی و اجتماعی در آثارش، در داستان‌های اخیرش «برکه مانداب» (۱۳۷۹) از مضامین نمادین و اسطوره‌ای نیز سود می‌جوید. نمایه آثار منتشر شده از نویسندگان نسل سوم: کاظم سادات اشکوری: «یک ساعت از ۲۴ ساعت» (۱۳۵۰)، «برگها می‌ریزند» (۱۳۵۱)، «در شبنم بر خاک» (۱۳۵۵).

محسن حسام: داستان‌های بلند «مهربانی و شیرین» (۱۳۵۲)، «پرنده در باد» (۱۳۵۵)، و مجموعه «پشت پرچین» (۱۳۵۵).

ابوالقاسم اسماعیلی سالومحله: داستان بلند «داغ ننگ» (۱۳۵۴).

منوچهر لمعه: «همراهی» (۱۳۵۵).

حسن اصغری: «خسته‌ها» (۱۳۵۵)، «میراث خان‌زاده» (۱۳۵۶).

منوچهر جراح‌زاده: «یابو و هیاهو» (۱۳۵۵).

حسین معینی: «مزرعه عمو رجب» (۱۳۵۲)، «دیروز و امروز دهکده» (۱۳۵۴)، «جوآنک از دهاکش» (۱۳۵۷).

محمود بدرطالعی: داستان بلند «ساتل میش» (۱۳۵۶).

فرامرز طالبی: داستان بلند «رحمان در راه» (۱۳۵۷).

عزیز حسینی گوراب‌پسی: «روزهای سیری» (۱۳۵۷).

غلامحسین منیرزاد: رمان «داس و جنگ» (۱۳۵۷).

ویژگی بارز این آثار پیام انسانی و محتوای اجتماعی آنهاست. پرداختن به مضامین و موضوعاتی چون فقر کارگران و کشاورزان، ستم ارباب و کارفرما، ستم‌پذیری و گاه ستم‌ستیزی رعیت و به یک تعبیر انتقاد از اضلاع نابسمان اجتماعی و معیشت نامطلوب انسان‌های بی‌پناه.

رنگ‌آمیزی احساسی، توصیف‌های ناتوالیستی، و گرایش به رمانتسیم از دیگر ویژگی‌های این آثار است. هرچند باید اذعان داشت خلق این گونه فضاهای حسی با احساسات‌گری (Sentimentality) دوره اول بسیار تفاوت دارد.

۱۳۶۸-۱۳۵۸

با پیروزی انقلاب و درگیر شدن جامعه با مشکلات پیشمار

جنگ تحمیلی، رونق مباحث سیاسی و به دنبال آن رکود بازار هنر و ادبیات در هیاهوی جنگ و معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... داستان‌نویسی شمال را نیز نزدیک به یک دهه دچار رکود و خاموشی می‌کند.

با انتشار دوباره ویژه‌نامه هنر و ادبیات (مروج نوعی هنر و ادبیات متعهد و مبارز) و دو هفته‌نامه دامون (با هدف احیای زبان و ادبیات گیلکی) در سال ۱۳۵۸، و انتشار ویژه‌نامه‌های ادبی «نقش قلم» (۱۳۶۵) و «کادح» (۱۳۶۶)، در این دهه سه گرایش اصلی نمود پیدا می‌کند:

الف - ادبیات کارگری (۱۰): روزهای پرتب و تاب انقلاب، زندانیان سیاسی و خاطرات آنان از زندان و مقاومت و شکنجه، نارسایی‌های خانواده‌های زندانیان، تلاش کارگران برای ایجاد سندیکا و شورا و... از جمله سوژه‌هایی هستند که در این دهه بارها و بارها به آنها پرداخته می‌شود. روشن است اقبال موضوعاتی چون زندان، شکنجه، مقاومت و... در این مقطع، ناشی از فراهم آمدن زمینه مطلوب پس از فروپاشی سانسور و ساواک است. موضوعاتی از این دست که تا پیش از ۱۳۵۷ پرداختن به آنها ممکن و میسر نبود، پس از این تاریخ یکباره رواج و روایی می‌یابند و نظر نویسندگان بسیاری را به خود جلب می‌کنند.

عمده‌ترین ویژگی این گونه آثار نشر گزارشی و نگاه جانبدارانه حاکم بر آنهاست که اثر را به گزارشی از تقابل زشت و زیبا، خوب و بد، سیاه و سفید تقلیل می‌دهد و متأسفانه کمتر اثری را می‌توان از این میان سراغ گرفت که به نوعی دچار این آفت و تبعات آن نباشد. این کاستی از منظر آسیب‌شناسی قابل بررسی است و در این مجمل تنها می‌توان به شتابزدگی نویسندگان در برخورد با این موضوعات در فضایی باز اشاره کرد.

مجموعه داستان دوجلدی «ملاقاتی‌ها» از محسن حسام از شمار همین داستان‌هاست که درباره زندانیان سیاسی و بر مبنای باورهای مسلط سیاسی نوشته شده است. ب - ادبیات جنگ: در این دوره بر اثر وقوع جنگ، ادبیاتی موسوم به «ادبیات جنگ» بخشی از داستان‌نویسی ایران را به خود اختصاص می‌دهد، و موضوعات بی‌شماری را در اختیار نویسندگان قرار می‌دهد.

با این همه نویسندگان شمالی به دلیل موقعیت اقلیمی و دوری از جغرافیای جنگ کمتر به این مورد اقبال نشان داده‌اند و «بیماران» محمود بدرطالعی، و تعدادی از قصه‌های «چاپ آخر زندگی» ابراهیم رهبر، و همچنین چند داستان کوتاه که در نشریات محلی به چاپ می‌رسند، نمایندگان این گرایش محسوب می‌شوند.

پ - داستان گیلکی: دو هفته‌نامه «دامون» و پس از آن «گیله‌وا» که به صورت ماهنامه و هر دو به همت م. پ. جکتاجی منتشر می‌شوند، گونه‌های داستان را معرفی می‌کنند که به تمامی با زبان گیلکی و فولکلور این منطقه پرداخته شده

است.

از گیلکی‌نویسانی که در این دوره اثر یا آثاری عرضه کرده‌اند می‌توان به: محمد بشرا، فریدون نوزاد، محمود طیار، هادی غلام‌دوست، علی قانع، محمود اسلام‌پرست، مجید دانش‌آراسته، علی‌اکبر مرادیان، شهرام سببی، فرامرز سالستان، فرزین فخریاسری، کوچک گیلانی (تیمور گرگین)، محمدحسن جهری و بسیاری دیگر اشاره کرد.

نوشتن داستان با مصاحی از این دست کم و بیش پی گرفته می‌شود و جایگاه و مرتبه‌ای را در ادبیات داستانی شمال به خود اختصاص می‌دهد. اما آنچه مسلم است، از این میان اثری هنری که قابلیت طرح در روند داستان‌نویسی ایران را داشته باشد، تا به امروز (۱۳۸۰) به دست داده نشده است و باید منتظر تکامل بیشتر این گونه داستان‌نویسی بود. در این دوره چنان‌که اشاره گردید آثار کم‌شماری منتشر می‌شود، که اهم این آثار به قرار زیر است:

بهزاد عشقی: «حسن بیابانی آرایشگر» (۱۳۵۸)، (عشقی پس از این به نقد فیلم و نمایشنامه‌نویسی روی می‌آورد). جمشید لرد: «گدا علی» (۱۳۵۹).

م. ح. تقوی گیلانی: «ده داستان» (۱۳۶۲). حسن حسام: «ملاقاتی‌ها» و «قلعه‌نشینان» (۱۳۵۹). محمدحسین عباسپور تمیجانی: «مش‌رجب» (۱۳۶۴). رحیم چراغی: «اگر برنجمان رنگ نگیرد» (۱۳۶۴). سیدهادی جوادی رودسری: «قربانی فقر» (۱۳۶۶). در این مقطع داستان‌نویسان پرکاری چون هادی جامعی، محسن حسام و حسن حسام به اروپا مهاجرت می‌کنند و از این پس آثار خود را در نشریات اروپایی و مجلات ادبی ایرانیان مقیم خارج کشور چاپ می‌نمایند.

از این میان محسن حسام مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه خود را گردآوری و با عنوان «پرنده بال طلایی» (۱۳۶۷) همان‌جا منتشر کرده است.

۱۳۶۸-۱۳۷۸

«سال‌های دهه شصت، در پی تکان حاصله از انقلاب و به دنبال آن وقوع جنگ - تجربه‌هایی که هیچ یک به طور ملموس برای نویسندگان در ادوار پیشین اتفاق نیفتاده بود - یا مصائب، تنش‌ها، اضطراب‌ها و برخوردهای عینی با مرگ و زندگی همراه بود و بینش جدیدی را از زندگی و حیات فردی و اجتماعی به همراه آورد و هنرمندان را وادار کرد با تکاندن غبار از بینایی و تغییر نحوه نگرش به پیرامون خود، برای خلق آثار، به شیوه‌های جدیدی رو آورند.» (۱۱)

دهه هفتاد نیز که شاخصه‌های مثبت و منفی پایان جنگ را با خود دارد، امکانی فراهم می‌آورد تا نویسندگان، فارغ از مصائب جنگ به تجربه‌های مقطع گذشته بیندیشند و دریچه‌های تازه‌ای بر داستان‌نویسی ایران بکشایند، دیگر «گرایش کلی نویسندگان این است که ادبیات را به وسیله خود ادبیات توضیح بدهند نه براساس ارزش‌ها و دیدگاه‌های غیرادبی

- آنچه که سال‌های سال ادبیات ما در چنبر آن گرفتار بود.» (۱۴) اگر مقطع پیشین برای داستان‌نویسی شمال مقطع پررونقی نبود، دهه هفتاد از پربارترین و بارآورترین مقاطع داستان‌نویسی این اقلیم می‌شود. دهه‌ای که نویسندگان شمالی همگام با نویسندگان دیگر مناطق، راه‌های تازه را درمی‌نوردند و شیوه‌های نویی را تجربه می‌کنند.

نسل سوم داستان‌نویسان این خطه - پرتوان و نوجو - و به دور از فضای خاص ناشی از جنگ پا به عرصه‌های داستان‌نویسی می‌گذارند و آثاری دیگرگون عرضه می‌کنند و راه‌های نیموده را می‌پیمایند. جنگ‌ها و مجلات ادبی این مقطع، که اغلب به همت و ذائقه همین نسل انتشار می‌یابد، رونق و نشاطی ویژه برای داستان‌نویسی این منطقه به ارمغان می‌آورند.

بیژن نجدی (۱۳۷۶ - ۱۳۲۰) صدای مشخص و مانای نسل سوم داستان‌نویسی گیلان است و مجموعه داستان او «یوزبلنگانی که با من دویده‌اند» (۱۳۷۳) بی‌گمان نقطه عطفی است در ادبیات داستانی دهه هفتاد.

در قصه‌های نجدی، حس آمیزی، حرکت اشیا و آشنایی زدایی در زاویه دید و روایت به زیبایی به کار گرفته شده است. صناعت بدیعی در این داستان‌ها هست که پیش از این، در قصه‌های کوتاه معاصر کمتر به کار رفته است. مثلاً حرکت اشیا که گاهی به تشخیص و جاندارگونگی عناصر می‌انجامد به ساختار قصه و القای فضا غنای بیشتری می‌بخشد، و نثر را به شعرگونگی و زبانی تصویری نزدیک می‌کند.

در داستان انتخاب‌شده همین مجموعه (شب سهراب‌کشان) حرکت اشیا و تشخیص عناصر به گونه‌ای پرداخت شده که آدمی به خوبی با آنها حس همذات‌پنداری

پیدا می‌کند. مرتضی، کر و لال است اما بیش از همه با او گفتگو داریم و او را می‌شنویم. تصاویر روی پرده، آن قدر جا ندارند که انگار وجود عینی دارند. حرکت اشیا در طبیعت به زیبایی شعر نمایان شده‌اند. توجه شود به عباراتی مانند: «تاریکی خاکستری اول شب با آنها به طرف خانه‌ها می‌رفت»، «از حلقش صدایی ریخت توی دهانش» و «پیرمرد پرده را روی گردن اسبش انداخت. آنها در راهی که تا طوس زیر اسب داشتند، به پشت نگرستند و گریستند.»

اما چنان که خود نجدی گفت: «داستان‌نویسی باید مثل زندگی حرکت داشته باشد، در تمامی سطرهای داستان، حتی اشیا باید در حرکت باشند.» در قصه‌های نجدی ما این نوع حرکت را حس می‌کنیم و موقع خواندن آن سطرها به‌ویژه در قصه «روز اسب‌ریزی» حرکت پل، حرکت درشکه و آدم‌ها را با بیانی به شیوه نو می‌بینیم که این همه نشان از درک زیبا و بالای زیباشناختی نجدی دارد. هرچند مجموعه داستان «یوزبلنگانی که با من دویده‌اند» تنها اثر منتشرشده نجدی در زمان حیات اوست، اما وی توانست با بهره‌گیری از فرم نو و زبانی شاعرانه در قصه‌هایش، با همین یک اثر خود را به عنوان یکی از چهره‌های مطرح قصه‌نویسی نوین ایران تثبیت کند. قاسم کشکولی (۱۳۴۲ / لنگرود) پس از بیژن نجدی یکی از موفق‌ترین قصه‌نویسان دهه هفتاد است که با چاپ مجموعه داستان «ژن در پیاده‌رو راه می‌رود» (۱۳۷۸) ظهور نویسنده خوش‌آبیه‌ای را بشارت داد. از کشکولی یک داستان بلند دیگر با عنوان «ناهید» (۱۳۷۹) منتشر شده که موفقیت مجموعه نخستین او را در پی نداشت و نیز به‌زودی از وی کتاب جدید دیگری با عنوان «بازی، مهندسی یک رمان» چاپ می‌شود.

کشکولی از داستان‌نویسان نوین ایران است که متعلق به

فرداست؛ به نسل آینده ادبیات که در راهند، نسلی که از نیاکان خویش بسیار آموخته است و آموخته‌هایش را به خوبی به کار بسته است. مجموعه داستان «زن در پیاده‌رو راه می‌رود» نشان از این آموخته‌ها دارد.

زبان داستان کشکولی، دلچسب و گیراست با نثری شاعرانه و روان با ایجازی درخور، که ساختاری مدرن و گاهی پست‌مدرنیستی حساب شده در آن موج می‌زند. کشکولی، اگر قصه‌نویسی را هم رها کند، با همین یک مجموعه، در ادبیات داستانی ما خواهند ماند.

در این مقطع آثار بسیاری توفیق چاپ و نشر می‌یابند. از نسل اول:

به‌آذین: «ما نگدیم و خورشید چهر» (۱۳۶۹)، «سایه‌های باغ» (۱۳۷۷).

از نسل دوم:

محمدرضا پورجعفری: «ردپای زمستان» (۱۳۶۹)، «دهم خرداد پنجاه و دو» (۱۳۷۲).

ابراهیم رهبر: «چاپ آخر زندگی» (۱۳۷۴).

مجید دانش‌آراسته: «سفر به روشنایی» (۱۳۷۶).

عباس حاکمی: «بیروج» (۱۳۷۷).

از نسل سوم:

سیروس شمیسا: «آینه و سه داستان دیگر» (۱۳۷۰).

«سیروس در اعماق» (۱۳۷۳).

حسین صدقی‌نژاد: «برفین» (۱۳۷۰).

حمید رفیعی پیشداد: «سراب» (۱۳۶۸)، «موج شکن» (۱۳۷۱).

محمود مسعودی: «سورة الغراب» (۶۸ چاپ خارج از کشور).

سیدابراهیم نبوی: «دشمنان جامعه سالم» (۱۳۶۹).

«تهرانجلس» (۱۳۷۷).

موسی علیجانی: «هفت کوه و هفت دریا آن طرف‌تر»

(۱۳۷۱)، «این گوشه جهان» (۱۳۷۷).

رحمت حقی‌پور: «عروسی در باران» (۱۳۷۱)، «برگ و

آئینه» (۱۳۷۳)، «فاطمه فاطمه» (۱۳۷۵).

محمد شمس لنگرودی: «رژه بر خاک پوک» (۱۳۷۲).

بیژن نجدی: «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» (۱۳۷۳).

مهدی آستانه‌ای: «دو عروسی» (۱۳۷۳).

مهدی اخوان لنگرودی: «آنویس» (۱۳۷۴)، «آرباب پسر»

(۱۳۷۷).

ناصر وحدتی: «خوندشت» (۱۳۷۴)، «یک زندگی»

(۱۳۷۵)، «روز خوش زندگی» (۱۳۷۷).

سیدضیاءالدین شفیعی: «انار» (۱۳۷۵)، «بیدارتر از صبح»

(۱۳۷۶).

پوروین محسنی آزاد: «سایه‌های اردیبهشت» (۱۳۷۶).

سعید تغابنی: «سنگینی هزار نسل» (۱۳۷۶).

ابوالقاسم پیروزی: «زیر قله دنا» (۱۳۷۶)، «... تا شقایق

هست» (۱۳۷۷).

قاسم کشکولی: «زن در پیاده‌رو راه می‌رود» (۱۳۷۷).

فرخ لمعه: «تشخیص» (۱۳۷۷)، «ابوالهول» (۱۳۷۷).

سالهای ۱۳۷۸ - ۱۳۷۸

در این دهه علاوه بر نویسندگان سه نسل پیش گفته، نویسندگان جوان و نوجوی نیز به عرصه آثاری قابل تأمل می‌پردازند، که می‌توان از آنان به عنوان «نسل چهارم» داستان‌نویسان این خطه یاد کرد. متأسفانه کمتر نویسنده‌ای از این میان موفق به ارایه اثر به صورت کتاب می‌شود و یگانه مجال و میدان آنان مجلات و جنگ‌های ادبی خاص نشریات منطقه‌ای است که از آن جمله است: کادح ادبی، نقش قلم ادبی، گیله‌وا، کادوس، گیلان‌زمین، هنر و پژوهش، پیام شمال، هاتف ادبی ...

با این توضیح می‌توان به درکی جدید از «نسل داستان‌نویسان دهه هشتاد» رسید. چرا که این نویسندگان الزاماً در یک گروه سنی خاص قرار نمی‌گیرند، بلکه دو گروه سنی در بین این نسل قابل تشخیص است.

الف - نویسندگانی هستند که بستر فعالیت ادبی‌شان در دهه هفتاد و حتی پیش از آن شروع شده است ولی در اواخر دهه هفتاد، آثار ادبی خود را منتشر و یا حضور ادبی خود را به اثبات رسانده‌اند مانند: هادی غلام‌دوست، محمدانسان صفت (ماسوله)، اکبر تقی‌نژاد، یزدان سلحشور، ساسان رضائی‌راد، محمد تقوی، حسین مرتضائیان آبکنار، مه‌کامه رحیم‌زاده، ابوالقاسم میرهن غمگین، جلیل شاه چشمه ...

ب - داستان‌نویسان نوپا و جوان هستند که در اواخر دهه هفتاد و یا در همین دهه هشتاد فعالیت ادبی خود را شروع کرده‌اند و اکثر آثار خود را در نشریات ادواری منتشر ساخته‌اند، نویسندگانی مانند: شهرام آقاجانی، مهران شعبانی، انوش صالحی پیمان نوری، کیهان خانجانی، فرهاد فلاح، حسین وقاری، اردشیر پورنعمت، علی قانع، هادی میرزا نژادموحد، محمد اکبری، ژیل‌هاتفی ...

نویسندگانی که در این دهه آثارشان منتشر می‌شوند عبارتند از:

از نسل دوم:

م.ح. عباس‌پور تمیجانی: «آن روزها آن سالها» (۱۳۷۸).

«باین دنیا این آدمها» (۱۳۷۸).

حمید قدیمی حرفه: «میدان و آهنگ خیالی» (۱۳۷۸).

محمدحسن چهری: «آخر خط» (۱۳۷۸).

محمدرضا پورجعفری: «ساعت گرگ و میس» (۱۳۷۸).

«دیوارها و آن سوی دیوارها» (۱۳۷۹).

محمود طیاری: «آن سال برفی» (۱۳۷۹).

مجید دانش‌آراسته: «در صدای باد» (۱۳۷۹).

از نسل سوم:

سیروس شمیسا: «ماه در پرونده» (۱۳۷۸).

ناصر وحدتی: «تا فردا دیر نیست» (۱۳۷۸).

بیژن نجدی: «دوباره از همان خیابان‌ها» (۱۳۷۹).
 قاسم کشکولی: «ناهید» (۱۳۷۹).
 حسن اصغری: «برکه مانداب» (۱۳۷۹).
 سیدابراهیم نبوی: «سفر طولانی» (۱۳۸۰).
 از نسل چهارم:
 حسین مرتضائیان آبکنار: «کنسرت تارهای ممنوعه» (۱۳۷۸).

رضا عابد: «تابلوی برای محله» (۱۳۷۸).
 جلیل شاه‌چشمه: «جیفی در انتهای کوچه هشتم» (۱۳۷۸).
 ابوالقاسم مبرهن غمگین: «تکیه بر یاد» (۱۳۷۸).
 اصغر نژادبخشی: «طوقی» (۱۳۷۸).
 هادی غلام‌دوست: «دلوایسی» (۱۳۷۹).

مه‌کامه رحیم‌زاده: «یلدا و رهایی» (۱۳۷۹).
 محمد انسان صفت (ماسوله): «آقاجان» (۱۳۷۹).
 حسین نوروزی‌پور: «خونابه‌ای در سیاهی شب» (۱۳۷۹).
 ظهور زنان داستان‌نویس از جمله پدیده‌های جالب و در خور توجه دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در عرصه ادبیات امروز شمال است، که در آثار خود به هویت، جایگاه و مشکلات زن پرداخته‌اند. چهره‌هایی چون:

شهین نوروزی باستانی، مزده ساجدین، فرخ لعمه، مه‌کامه رحیم‌زاده، فرحناز شریفی، شادی پیروزی، شوکت منصور، لاله رسول‌زاده و...
 از جمله ویژگی‌های عمده نویسندگان این مقطع، توجه به مسائل فنی داستان همچون ساختار، فرم، طرح و... است که به این مشخصه باید مضامین بکر، نثر و زبان بدیع را اضافه کرد.

بی‌تردید ادبیات داستانی شمال به شکوفایی نزدیک شده، و آثار دو نسل اخیر گواه صادق این مدعاست. چنان که مرحوم بیژن نجدی (اگرچه مجال تجربه بیشتر نمی‌یابد) با یگانه اثر داستانی خود - یوزپلنگانی که با من دیده‌اند - نگاه‌ها را متوجه شمال می‌کند و جایزه داستان گردون را نیز، به حق، از آن خود می‌گرداند، قاسم کشکولی، با «زن در پیاده‌رو راه می‌رود» فروتنانه در کنار صداهای تازه دهه هفتاد می‌ایستد و... و هنوز می‌توان به نام‌ها و آثار اشاره کرد که داستان‌نویسی این منطقه را غنی و پررنگ کرده‌اند که مجال فراخ‌تر از این می‌طلبند و فرصتی دیگر... (۱۳)

پانویس:

۱. مسعود یامین؛ فرهنگ داستان‌نویسان خوزستان؛ هنر و پژوهش؛ ج دوم
۲. رحیم چراغی؛ سندی از داستان‌نویسی ایران پیش از سیدمحمدعلی جمال‌زاده؛ هنر و پژوهش؛ ج اول
۳. محمدعلی سپانلو؛ نویسندگان پیشرو ایران؛ نگاه پنجم؛ ۱۳۷۴؛ ص ۸۵
۴. ملک‌ابراهیم امیری؛ پشنو از نی (مکالمات با اکبر رادی)؛ هدایت، اول، ۱۳۷۰؛ ص ۲۵
۵. بغض شریف یک نویسنده (پرس و گو با مجید دانش‌آراسته)؛ گیلان‌زمین؛ دوره نوب، بهار ۷۹، ش ۱
۶. حسن عابدینی؛ صد سال داستان‌نویسی در ایران؛ ج دوم تندر، دوم، ۱۳۶۹؛ ص ۱۹۱
۷. گیلان‌زمین؛ همان

۸. محمدعلی سپانلو؛ بازآفرینی واقعیت؛ زمان، اول، ۱۳۴۹
 ۹. حسن عابدینی؛ فرهنگ داستان‌نویسی ایران از آغاز تا امروز؛ فرهنگ کاوش، اول، ۱۳۷۴؛ ص ۱۷۵

۱۰. پیدایی این گرایش در ادبیات داستانی، و رونق و اقبال روزافزون آن، همزمان است با پدیداری مفاهیمی چون سوسیالیسم، پرولتاریا، سرمایه‌داری و... در ایران. داستان‌هایی از این دست (Novel Proletarian) اغلب در پی تبلیغ و ترویج دیدگاه و بینش خاصی هستند، که تمام عناصر داستان در خدمت این منظور و مراد قرار می‌گیرد. برای این تبلیغ زندگی توأم با فقر، مبارزه‌های دلیرانه، مقاومت سرسختانه و در مواردی حتا مرگ پرافتخار طبقه فرودست جامعه (رعیته کارگر و... در تقابل با طبقه فرادست (سرمایه‌دار، مالک، کارفرما و...) تصویر می‌شود. قریب به اتفاق این تصاویر، سیاه و سفید و لاجرم جانبدارانه از کار درمی‌آیند و از مرتبه هنر به متنی مبتنی بر شعار تقلیل می‌یابند.

باری غالب آثاری که نویسندگان شمال از این منظر آرایه کرده‌اند، از افات عمومی و ویژگی‌های منفی‌ای که برشمردیم مستثنا نیستند؛ و به قطع و یقین می‌توان گفت که هیچ یک از این آثار از غنا و زیبایی نمونه‌های شاخص این نوع: «جنگل» از آیتون سینکیر، «هویه‌کن سرزمین محبوب من» از آن پیتون، «مادر» از ماکسیم گورکی و... برخوردار نیستند.

۱۱. رضا جولایی؛ قصه‌های کوتاه به معیارهای جهانی نزدیک شده است؛ دنیای سخن، فروردین - اردیبهشت ۷۲، ش ۵۴
 ۱۲. محمد بهارلو؛ تتبع در صناعت و سبک؛ دنیای سخن، اسفندماه ۷۰، ش ۴۸

۱۳. سعی نگارنده بر آن بوده است که در جلد دوم همین گزینه، بطور مشروح تمام آثار داستانی، داستان‌نویسان گیلان که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ چاپ و منتشر شده‌اند، نقد و تحلیل گردد.

